

د افغانستان د حقوق پوهانو سراسری تړلنه

انجمن سراسری حقوق دانان افغانستان

Global Jurist Association of Afghanistan



## اعلامیه انجمن سراسری حقوقدانان افغانستان

درباره «اصولنامه جزایی محاکم» اداره طالبان

بنام خداوند حق و عدالت

انجمن سراسری حقوقدانان افغانستان به عنوان نهادی مستقل، متعهد به عدالت، کرامت انسانی، حاکمیت قانون و ارزش‌های مشترک حقوق بشر با احساس مسئولیت تاریخی و مسلکی بمثابه مدعی العموم افغانستان و مردم آن بدون هر نوع حب و بغض، مندرجات این اصولنامه را مورد ارزیابی و نقد حقوقی قرار میدهد.

مبرهن است که بر اساس تعریف از قانون و شرایط شکلی و متنی مرتب برآن و همچنان بر طبق عرف قانونگذاری در یک قرن اخیر، هر سندی را نمیتوان قانون خواند، بویژه که اداره دیفکتوی طالبان فاقد صلاحیت حقوقی برای انفاذ قانون میباشد. لذا:

- مجموع مندرجات این سند نمایانگر احوال پریشان حاکمان و ذهن و اندیشه ملاهای قریهء دورافتاده و در سطح کتابهای مبادی فقهی مبتدی است که در قرن (۲۱) و تغییرات بزرگ در حیات اجتماعی بشر، از فهرست درسی مدارس اسلامی در کشورهای متمدن اسلامی همانند مصر، ترکیه، اندونیزیا و ... حذف گردیده است و به گفته فقها «ارجعیت» ندارد .

این سند در گام نخست با:

- انسانیت و کرامت انسانی (لقد کرما بنی آدم)

- ارزشهای والای دین مبین اسلام :

- عدالت که جوهر دین و غایت قضاوت است

- برابری انسان‌ها و تساوی حقوق شان فاصله دارد .

این اصول‌نامه، اسلام متساهل و عنعنوی هزار و چند ساله افغانستان را که با عرفان و تصوف برخاسته ازین سرزمین به دین و آیین زندگی مردم مسلمان ما مبدل گردیده است، خدشه دار و مذهب میانه رو حنفی و شخص امام اعظم و روش عقلایی شان را که برپایه های قرآن، سنت، اجماع، قیاس، استحسان، عرف و مصالح مرسله استوار است، در سطح فکر منجمد و عملکرد خشونتبار تنزیل داده است.

این سند، کتمان اغراض سیاسی و استبداد مذهبی و ایدیولوژیک شخص محور، زیر نام شریعت در احوال ناهنجار جاری است و نظام قضایی را به ابزار «مشروع‌سازی خشونت» علیه مخالفان و معترضان مبدل می‌نماید.

در فقه اسلامی مسأله وجود دارد که پیوند با واقعیت خوانده می‌شود، بر اساس قاعده «لاینکر تغیرالأحكام بتغیرالأزمان» تغییر احکام با توجه به تغییر زمان مورد انکار قرار نمی‌گیرد که همان «راجح و مرجوح» بعد تطبیقی زمان و مکان است که درین سند مورد توجه قرار نگرفته است .

این سند با اصول مسلم فقه اسلامی «قاعده درء» و «المضرر یدراً» که اگر اجرای حکمی باعث ضرر غیرضروری یا ظلم شود، می‌توان آن را کنار گذاشت، تناقض دارد.

مرتبط به همین بحث:

ماده (۹) اصول‌نامه تعزیر بر اساس اعتبار جانی، تقسیم شهروندان افغانستان به طبقات:

- علما

- اشراف

- طبقه متوسط

- و طبقه «پایین»

و تعیین نوع مجازات بر اساس جایگاه اجتماعی، نقض آشکار اصل برابری در برابر قانون است و خلاف ارشاد قرآنی است.

بدین ترتیب، عدالت جزایی، شریعت و «قانون» فدای "نظام طبقاتی" مطروحه طالبانی میگردد.

### ترویج «برده داری» منسوخ دوره جاهلیت در قرن (۲۱)

از (۱۹۲۶م) تا کنون دهها سند بین المللی و میثاق در مورد لغو و ممنوعیت برده داری از اولین قانون

اساسی افغانستان زمان شاه امانالله، این پدیده مذموم، منسوخ گردیده است و تذکر این اصطلاح نوعی «مشروعیت بخشی» به آن میباشد.

### نقض فاحش اصول دادرسی عادلانه

اصول اساسی مشروعیت جرم و جزا (Legitimacy of Crime and Punishment) که هسته ی حقوق جزایی مدرن را می سازد و عناصر اساسی یک محاکمه منصفانه را میسازد، در سند بازتاب ندارد.

همچنان:

- اصل تناسب جرم و مجازات
  - مجازات عمدتاً بدنی، تحقیرآمیز و غیرانسانی است
  - حق دسترسی به وکیل مدافع وجود ندارد
  - مرجع مستقل تجدیدنظر یا نظارت قضایی پیش بینی نشده است.
- عدم تفکیک جرایم تعزیری:

- از حیث شدت و خفت:
  - قباحت، جنحه و جنایت
  - و اصلی، تبعی و تکمیلی
- که درین اصولنامه رعایت نشده است.

مطابق این اصولنامه، متهم نه بمتابه «شهروند صاحب حق»، بلکه به عنوان «موضوع اعمال قدرت» تلقی می شود؛ وضعیتی که در تعارض آشکار با اصل مشروعیت جرم و مجازات، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، اصول بنیادین حقوق جزا، و حتی رویه تاریخی محاکم اسلامی قرار دارد.

### نهادینه سازی تبعیض مذهبی

اصولنامه، با برسمیت شناختن انحصاری مذهب حنفی و اطلاق مفاهیمی چون «مبتدع» به پیروان سایر مذاهب و باورها، اصل عدم تبعیض دینی را نقض می کند. این رویکرد:

- موجب سلب امنیت حقوقی اقلیت های مذهبی، از جمله شیعیان، اسماعیلیه، اهل حدیث، سیک ها و هندو باوران می گردد.

- و جامعه متکثر افغانستان را به سمت تقابل و حذف اقلیت های مذهبی سوق می دهد.

محتوی زن ستیزانه این سند:

تشدید خشونت علیه زنان و کودکان و خشونت خانگی را به صورت تبعیض آمیز تعریف می کند که با آموزه های اخلاقی اسلام، حقوق بشر و وجدان انسانی ناسازگار است.

اظهر من الشمس است که: وضع چنین سند، باعث تشدید انزوای بینالمللی کشور می گردد و افغانستان را در راستای پلانیهای شوم و شیطانی دشمنان تاریخی ما به بحرانات جدید سوق می دهد. بر بنیاد آنچه بیان شد:

انجمن سراسری حقوقدانان افغانستان این اصولنامه که به تاریخ (۱۵/۷/۱۴۴۷ هجری قمری) و درین روزهای اخیر در (۳ باب، ۱۰ فصل و ۱۱۹ ماده) «نافذ» و منتشر گردیده است، فاقد مشروعیت حقوقی و قضایی میداند زیرا که در تعارض آشکار با ارزشهای انسانی و دین مبین اسلام، اصول مسلم حقوق جزا، سنت قضایی افغانستان و قواعد امره حقوق بین الملل قرار دارد.

از این رو:

انجمن سراسری حقوقدانان افغانستان به عنوان شخصیت حقوقی راجستر شده در اتحادیه اروپا و عضو مشورتی (ECOSOC - ایکوساک) سازمان ملل متحد این اصولنامه را با ذکر دلایل فوق فاقد اعتبار حقوقی و (کان لم یکن) اعلام و ابطال آنرا مطرح می نماید.

راه واقعی بدیل استمرار قوانین بویژه کد جزا و کد مدنی میباشد که با ارزشهای دین مبین اسلام و حقوق مندرج در میثاقها و کنوانسیونهای بین المللی که افغانستان به آنها الحاق و ملزم برعایت آن میباشد، مطابقت کامل دارد.

انجمن:

- از تمامی حقوقدانان، قضات، وکلای مدافع، علمای روشن ضمیر و مستقل دینی، نهادهای مدنی و مدافعان حقوق بشر می خواهد که درین دادخواهی و دفاع از حقوق مردم مستضعف و مظلوم با این اعتراض انجمن هم صدا شوند.

- از وجدانهای بیدار جهانی، جامعه بین المللی، سازمان ملل متحد و نهادهای حقوق بشر می خواهد که ازین داعیه برحق و اعتراض مدنی حمایت اخلاقی نمایند.

با حرمت

هیات اجراییه انجمن سراسری حقوقدانان افغانستان

میر عبدالواحد سادات رئیس انجمن